

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوگ

۷۲

در پیام رهبر انقلاب اسلامی
به مناسبت هفته وحدت مطرح شد:

آمریکا دشمن همه امت اسلامی است نه فقط ایران

✎ آمریکای جنایتکار نقاب‌های فریبنده و پوشالین را از چهره کریه اهداف استعماری و نقشه‌های استکباری و سلطه جویانه خود کنار زده و دستکش‌های مخملین فریبگر را در آورده و چنگال خون‌آلود خود را به همه دنیا نشان داده است.



۷۳

۲۰ مورد سیاه‌نمایی و برجسته کردن نقاط ضعف توسط پزشک‌های درم‌صاحبه با تلویزیون

۱ اکنون نمی‌توانیم نفست صادر کنیم.

۲ امسال سال سختی خواهیم داشت.

۳ صادرات کم شده، اما واردات بیشتر کاهش پیدا کرده است.

۴ اگر تحریم‌ها ادامه پیدا کند، گرانی نیز افزایش خواهد یافت.

۵ وقتی نمی‌توانیم کالاهایمان را بفروشیم، ارز وارد کشور نمی‌شود.

۶ کنترل نرخ ارز زمانی امکان پذیر است که با کمبود منابع مواجه نباشیم.

۷ ما مشکلات زیادی داریم؛ تورم، مسائل اقتصادی، اشتغال و مشکلات بسیار دیگری وجود دارد

۸ بخشی از افزایش نرخ ارز به مسائل سیاسی برمی‌گردد. همین‌که اعلام کردند محاصره را تشدید می‌کنند، نرخ دلار در مدت یک روز ناگهان افزایش یافت.

۹ وقتی پول و درآمد نداریم، وقتی زیرساخت‌ها را زده و خراب کرده‌اند، وقتی باید به کسانی که بیکار شده‌اند کمک مالی کنیم و وقتی پیش از آغاز این درگیری‌ها نیز ۱۵۰۰ همت کسری داشتیم، این‌ها چیست؟

۱۰ بنگاه‌ها نیز درست کار نمی‌کنند. با کسری و مشکلات بانک‌ها مواجهیم؛ مشکل برق، آب و گاز داریم؛ با مشکلات مدیریتی و مسائل جدیدی که به وجود می‌آیند، درگیریم و در کنار همه این‌ها، تحریم‌ها و فشارهای دیگری نیز وجود دارد.

۱۱ مبلغ کالابزرگ را نمی‌توانیم زیاد کنیم.

۱۲ بنزین را به ۱۰ هزار تومان افزایش خواهیم داد.

۱۳ نرخ ارز ممکن است بسیار بالاتر از میزان فعلی برود.

۱۴ محدودیت‌ها برای افزایش مبلغ کالابزرگ برطرف نشده‌اند.

۱۵ اگر نتوانیم مسائل خود را در منطقه حل کنیم، بالاخره با مشکل مواجه خواهیم شد.

۱۶ برای صرفه جویی در فصل زمستان نیز صداوسیما باید به ما کمک کند که گاز خانه‌های مردم قطع نشود.

۱۷ هم نیروگاه‌هایمان را زده‌اند، هم منابع نفتی و گازی‌مان را هدف قرار داده‌اند و تولیدمان نیز در جریان جنگ کاهش پیدا کرده است.

۱۸ واقعیت این است که میزان درآمد ما مشخص است و درآمدمان کاهش یافته، نه اینکه افزایش پیدا کرده باشد؛ در حالی که مشکلات بیشتر شده‌اند و باید به آنها پاسخ بدهیم.

۱۹ از سوی دیگر، پول کافی هم نداریم. اگر قبلاً با پولی که داشتیم می‌توانستیم ۱۰ تن کالا بخریم، اکنون با همان میزان پول می‌توانیم هشت تن بخریم.

۲۰ اکنون مسیر بسته است و کالا وارد نمی‌شود. یکی از این کالاها بنزین است. درآمد ما هم کاهش یافته؛ یعنی علاوه بر بنزینی که تولید می‌کنیم، باید بنزین بخریم. در نتیجه، حتی اگر مسیر باز باشد، باید پول خرید آن را نیز داشته باشیم.

روایت ضعف از تریبون‌های رسمی؛

وقتی فهرست مشکلات
جای راهکار را می‌گیرد

تکرار ضعف‌های اقتصادی از تریبون مسئولان، این پرسش را ایجاد کرده که چرا راهکارها روایت نمی‌شوند؟



استیصال واشنگتن در میدان و بازگشت به نسخه نخ‌نمای تحریم

این حجم از ناامیدسازی و اظهار ضعف در رسانه‌های داخلی در حالی رخ می‌دهد که در واقعیت میدان، طرف آمریکایی به دلیل شکست‌های متوالی، دچار استیصال شده‌است. در معاملات فعلی منطقه و به‌ویژه حوزه راهبردی تنگه هرمز، دست بالا کاملاً با جمهوری اسلامی ایران است. پس از آنکه محاسبات واشنگتن در میدان نظامی به سنگ خوردو نتوانست تهران را به بدیش خواسته‌های زیاده‌خواهانه خودادار کند، بار دیگر به نسخه تکراری، ناکارآمد و نخ‌نمای فشار اقتصادی و تحریم روی آورده‌است. این روزها ترامپ قمارباز و مقامات آمریکایی بار دیگر همان ادبیات تکراری نظیر «سخت‌ترین»، «کوبنده‌ترین»، «خردکننده‌ترین» و «بی سابقه‌ترین» فشار اقتصادی سال‌های گذشته را به کار می‌برند؛ رئیس‌جمهور آمریکا در تازه‌ترین مواضع خود وعده داده‌است که جنگ اقتصادی و انزوا ی بین المللی را در ابعادی بی سابقه علیه ایران راه خواهد انداخت و حتی کشورها ی طرف معامله با تهران را به مجازات های سنگین اقتصادی تهدید کرده‌است. رسانه‌های بین المللی از جمله خبرگزاری آسوشیندپرس نیز صراحتاً این چرخش ناگهانی را بازگشت ترامپ به ابزار تحریم، پس از ناگامی و ناکارآمدی سایر گزینه‌های واشنگتن در قبال ایران توصیف کرده‌اند. اما واقعیت این است که مواضع تند، خط‌و نشان کشیدن‌ها و پارس‌های تبلیغاتی واشنگتن، نشانه اقتدار و داشتن دست برتر نیست؛ بلکه بازتاب شکست‌های بی‌دری و یک بحران عمیق داخلی در ساختار سیاسی و نظامی آمریکاست، با گذشت شش ماه از آغاز درگیری‌ها، مسئله اصلی برای کاخ سفید دیگر فقط این نیست که ایران تا چه اندازه تحت فشار قرار دارد، بلکه پرسش سهمگین‌تری استراتژیست‌های آمریکایی این است که خود ایالات متحده تا چه اندازه توان و ظرفیت ادامه این جنگ پرهزینه را دارد؟ هزینه‌های سراسرآم و درگیری، مصرف بی سابقه تاخیر تسلیحاتی و اختلال شدید در بازار انرژی، فشار را مستقیماً به داخل جامعه آمریکا منتقل کرده‌است. بر اساس گزارش روتنژر، طی چند جنگ دهه‌های اخیر، ذخایر موشک‌های دربردر دقیق آمریکا به شدت کاهش یافته‌است؛ برآوردهای مطرح شده نشان می‌دهد حدود ۶۵ درصد ر موشک‌های باتریت، ۳۸ درصد ر موشک‌های سامانه تاد و نزدیک به نیمی از موشک‌های کروژ تانها ماکو آمریکا مصرف شده و به سطح نگارن‌کننده‌ای رسیده‌است. از سوی دیگر، مهم‌ترین ضربه‌ای که کاخ سفید دیگر توان پنهان ساختن آن را دارد و ترامپ را در استانه بر معیشت شهروندان آمریکایی است. متوسط قیمت بنزین در آمریکا از مرز چهار دلار در هر گالن عبور کرده و براساس رآورلد استریت ژورنال، آمریکا‌یی‌ها در طول این مدت حدود ۶۵ میلیارد دلار بیشتر از دوره مشابه سال قبل برای بنزین و گازوئیل پرداخت کرده‌اند. این هزینه‌ها اضافه که مستقیماً از بودجه خانوار خارج شده، طبقه متوسط و کم‌درآمد آمریکا را به شدت تحت فشار قرار داده و و ترامپ را در استانه انتخابات بایک بحران جدی رانده‌اندنگاران روبه‌رو کرده‌است. وقتی ابزار نظامی به دلیل هزینه‌های گم‌شکن فلج می‌شود، طبیعی است که دولت آمریکا به سمت ابزار اقتصادی کوچ کند تا از طریق متقاضیان داخلی سازش، امتیازات با‌آورده کسب کند.

بازنه‌تحریم چیست؟

واقعیت آنکه از نظر این‌ا این است که اقتصاد ایران استاد تمام مقابله با تحریم‌هاست، ساختار تجاری، شبکه بانکی، بنگاه‌های تولیدی و تصمیم‌گیران اقتصادی ایران بیش از چهارده‌است که در فضای تحریمی سرگردانده‌اند و مفهوم تحریم دیگر یک شوک ناشناخته و فلج‌کننده برای کشور نیست. در جریان تحولات اخیر نیز تجربه نشان داد که جامعه و بازار ایران توان بالایی در سازگاری و مدیریت تکانه‌ها دارد. دشمن روی شکنندگی‌های ساختاری، تورم، فرار سرمایه و وابستگی به درآمدهای نفتی حساب ویژه‌ای باز کرده‌است. اما راه مقابله با این دشمنی‌ها، ژانفوزدن و قفاری از نمی‌توانیم» به راه انداختن نیست. اظهار ضعف و بیان حرف‌های خلاف واقع مانند مفرضدن فروش نفت و دوام نمی‌آوریم، نشان‌دهنده رادر ادامه مسیر فشار جری‌تر می‌کند. طرف غربی وقتی ببیند که فشار اقتصادی در داخل ایران تبدیل به سیگنال‌های تسلیم می‌شود، نه تنها تحریم‌ها بر نمی‌دارد، بلکه بر شدت آن می‌افزاید. راهکار واقعی، نه‌آه و ناله رسانه‌ای، بلکه تغییر پارادایم اقتصادی واکسینه کردن اقتصاد از درون است. برای عبور عزتمتانه از این مقطع، باید خنثی سازی تحریم‌ها در قالب یک نقشه راه عملیاتی و یکپارچه دنبال شود. در گام نخست، باید با عملیاتی سازی ظرفیت پیمان‌های نوظهوری نظیر فیکس و شانگهای بهره‌گیری از بستر پیمان‌های پولی چند جانبه، تلاش مدرن در ازراه‌ا دیجیتا ل بانک‌های مرکزی، وابستگی ساختاری به دلار و آسیب‌پذیری از خزانه‌داری آمریکا را به حداقل رساند. در کنار این اقدام، تغییر استراتژی صادراتی از خام‌فروشی به سمت تولید و صادرات فرآورده‌های پتروشیمی و پالایشگاهی با مشتریان متنوع منطقه‌ای، شریان درآمدی کشور را تحریم‌ناپذیر می‌کند. هم‌زمان را بعد داخلی، ترمیم تجربه تأمین و جراحی اصلاحی با ساختار بانکی و حذف رانت، اقتصاد را از درون در برابر تکانه‌ها ضربه خورده خواهد کرد. در نهایت، پیشبرد یک پادفند رسانه‌ای فعال و روایت‌گر پیش‌بینی دستانه در جنگ شناختی، ضمن افشای برنامه‌های دشمن، انسجام ملی را تقویت کرده و مانع از شکل‌گیری دو قطبی‌های کاذب حول معیشت مردم می‌شود.

حفظ اقتدار میدان ضامن امنیت ملی

هیچ‌کس منکر مشکلات اقتصادی، فشار تورمی و سختی معیشت مردم نیست. اتفاقاً سخن اصلی بر سر این است که واقعیت را باید کامل و همه جانبه دید. واقعیت فقط کسری بودجه یا ناتراز ی سوخت نیست؛ واقعیت شامل فقره مردم، امنیت ملی، اعتماد عمومی و ایاده متوازنه دشمن نیز می‌شود. می‌توان و باید اقتصاد را اصلاح کرد، با قاجا سازمان یافته مبارزه نمود، الگوی مصرف سوخت را بدیر کرد و تصمیم‌های شجاعانه گرفت؛ اما شرط اصلی این اصلاحات، وجود درایت، زمان شناسی، بی‌پوس‌ت اجتماعی و ملاحظه امنیت ملی است. ایران در سال‌های اخیر ثابت کرده‌است که قدرتمند تر از آن‌است که در سخت‌ترین میدان‌های نظامی و امنیتی زمین گیر شود. حالا هنر حکمرانی و مدیریت کشور این است که همان درایت، ظرافت و اقتداری را که برای عبور از میدان‌های سخت نظامی به کار گرفته شد، در عرصه اقتصاد و ترمیم زخم‌های معیشتی جامعه نیز به کار بندد. مخدوش کردن پیروزی‌های بزرگ ایران و اتفاقی این‌ست در کشور، بزرگ‌ترین فاجه بپایداری مردم و پشتوانه دفاعی ایران است. اقتدار نظامی و دست برتر منطقه‌ای، بزرگ‌ترین برگ برنده کشور چه در سنگر مدیریت داخلی و چه بر سر میز گرانه دیپلماتی احتمالی است. اگر پیروزی‌های میدان را حفظ کنیم و به جای اظهار ضعف، بر تدبیر، تلاش داخلی و ظرفیت‌های بومی کتبیم، نه تنها از این بیخ تاریخی عبور خواهیم کرد، بلکه دشمن را برای همیشه از کارآمدی ابزار تحریم و جنگ ناامیدی می‌سازیم. عبور از شرایط فعلی ممکن است، اما این عبور حتماً از مسیر عزت و تدبیر می‌گذرد، نه از مسیر انفعال و سازش.



روایت ضعف از تریبون‌های رسمی؛

وقتی فهرست مشکلات جای راهکار را می‌گیرد

گزارش

تکرار ضعف‌های اقتصادی از تریبون مسئولان، این پرسش را ایجاد کرده که چرا راهکارها روایت نمی‌شوند؟ در شرایطی که کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع اقتصادی و سیاسی خود قرار دارد، نحوه روایت مسئولان از وضعیت موجود به اندازه تصمیمات و سیاست‌ها ی اجرایی اهمیت پیدا کرده‌است؛ چرا که در فضای جنگ اقتصادی و فشار خارجی، هر اظهار نظر رسمی می‌تواند علاوه بر افکار عمومی، مخاطبان و محاسبات طرف مقابل را نیز تحت تأثیر قرار دهد. طی ماه‌های اخیر، بخشی از اظهارات مسئولان دولتی درباره شرایط اقتصادی کشور، بیش از آنکه بر ظرفیت‌ها، اقدامات انجام‌شده و راهکارهای عبور از مشکلات متمرکز باشد، بر بیان فهرستی از محدودیت‌ها، کمبود منابع، کاهش درآمد‌ها، مشکلات انرژی، دشواری صادرات، افزایش نرخ ارز، تورم و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها متمرکز بوده‌است.

در برخی اظهارنظرهای رسمی، از کاهش درآمد‌های کشور، دشواری صادرات نفت، محدودیت واردات کالا، مشکلات تأمین بنزین، کسری منابع، افزایش احتمالی نرخ ارز، مشکلات شبکه بانکی، ناترازی انرژی و دشواری تأمین منابع لازم برای حمایت از معیشت مردم سخن گفته شده و حتی درباره سخت بودن سال پیش‌رو هشدار داده شده‌است. طبیعی است که هیچ‌کدام از این مشکلات را نمی‌توان انکار کرد. اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از مسائل آشفته‌شده مواجه‌است و بیان واقعیت‌های اقتصادی نیز بخشی از مسئولیت دولت‌است. اما مسئله اصلی اینجاست که مرز میان «بیان واقعیت» و «برجسته‌سازی ضعف» کجاست؟

وقتی بیان مشکلات از ارائه راهکار جلوی‌مند

مسئول دولتی می‌تواند از تورم، ناترازی انرژی، محدودیت‌های انرژی، کاهش درآمد‌های نفتی یا آثار تحریم‌ها سخن بگوید؛ اما افکار عمومی انتظار دارد بلافاصله پس از بیان مسئله، تصویر روشنی از برنامه دولت برای حل آن نیز ارائه شود.

اگر قرار باشد خروجی تریبون‌های رسمی عمدتاً به بیان این گزاره محدود شود که منابع کافی نداریم، صادرات کاهش یافته، ارز وارد کشور نمی‌شود، نرخ ارز ممکن است افزایش پیدا کند، انرژی با محدودیت مواجه‌است و سال سختی در پیش داریم، نتیجه طبیعی چنین روایتی، حتی بدون قصد قبلی گوینده، می‌تواند تقویت احساس ناآرامی و بی‌اقتی باشد. مسئله این نیست که مسئولان مشکلات را پنهان کنند؛ اتفاقاً پنهان کردن مشکلات نیز می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی منجر شود. مسئله این است که در شرایط بحرانی، روایت مشکلات باید در خدمت حل مسئله قرار گیرد، نه اینکه خود به مسئله‌ای جدید تبدیل شود. به بیان دیگر، جامعه بیش از آنکه نیازمند شنیدن دوباره فهرست مشکلات باشد، نیازمند پاسخ به این پرسش است که «برای عبور از این شرایط چه برنامه‌ای وجود دارد؟»

هشدار درباره «روایت ضعف» در شرایط حساس

این موضوع از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که رهبر انقلاب در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت، بر ضرورت «تبیین روایت قدرت و قوّت ایران و ملت» تأکید کرده و تصریح کرده‌اند که ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست، بلکه باید برای رفع و حل آن برنامه‌ریزی و اقدام کرد.

در این پیام همچنین هشدار داده شده‌است که بیان صادقانه ضعف‌ها در شرایطی که دشمن به روحیه نیاز دارد، می‌تواند به او کمک کند و حتی موجب نگرانی و سردرگمی دوستان و همراه‌ها شود. این نکته، بی پاسخ روشن به این استدلال نیز منسحب می‌شود که «دشمن خودش مشکلات کشور را می‌داند، بنابراین بیان آنها از سوی مسئولان اهمیتی ندارد.» مسئله دقیقاً همین جاست. دشمن برای اطلاع از مشکلات اقتصادی ایران الزماً منتظر اظهارات مسئولان ایرانی نیست. اما تقاوت مهمی میان مشاهده یک مشکل از بیرون و شنیدن همان مشکل از زبان عالی‌ترین مقامات رسمی یک کشور وجود دارد.

وقتی یک مقام رسمی درباره کاهش درآمد‌ها، محدودیت منابع، احتمال افزایش نرخ ارز، دشواری صادرات یا مشکلات زیرساختی سخن می‌گوید، این اظهارات می‌تواند در محاسبات طرف مقابل به عنوان یک سیگنال رسمی درباره وضعیت داخلی کشور مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، بحث بر سر پنهان کردن واقعیت نیست؛ بحث بر سر نحوه انتقال پیام قدرت و ضعف‌است.

صداقت پایه‌سنجی‌یکی نیست

یکی از توجهات رایج در دفاع از چنین اظهاراتی این است که مسئولان باید با مردم صادق باشند و نباید مشکلات را پنهان کنند. این گزاره در اصل خود کاملاً درست است؛ اما صداقت لزوماً به معنای قرار دادن تمام مشکلات در صدر روایت رسمی کشور نیست.

یک مدیر موفق زمانی که مجموعه تحت مدیریت او با بحران مواجه‌است، باید مشکل را دقیق شناسایی کند. ابعاد آن را برای تصمیم‌گیران توضیح دهد و برای افکار عمومی نیز تصویری واقعی ارائه کند؛ اما در نهایت، آنچه از یک مدیر انتظار می‌رود ارائه راه‌حل، مدیریت بحران و ایجاد چشم‌انداز عبور از مشکل است.

به همین دلیل، میان این دو گزاره تقاوت اساسی وجود دارد:

«ما با مشکل انرژی مواجه هستیم و برای حل آن برنامه داریم.»

با این گزاره که: «نیروگاه‌ها مشکل دارند، منابع انرژی آسیب دیده، منابع کافی نداریم و ممکن است با محدودیت مواجه شویم.»

هر دو ممکن است از نظر توصیف بخشی از واقعیت درست باشند؛ اما پیام متفاوتی به جامعه و طرف مقابل منتقل می‌کنند. در حالت نخست، مشکل در کنار ظرفیت حل آن روایت می‌شود؛ در حالت دوم، مشکل برجسته می‌شود بدون اینکه لزوماً تصویر روشنی از راه خروج ارائه شود.

مشکل اصلی: فقدان روایت «راه‌حل»

از این منظر، شاید مسئله مهم‌تر از خود اظهارات مسئولان، فقدان یک روایت منسجم درباره مسیر خروج از بحران باشد. جامعه امروز می‌داند تورم وجود دارد. می‌داند ناترازی انرژی وجود دارد. در حال انجام تحریم‌ها محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌اند و کشور با مشکلات انرژی و بودجه‌ای مواجه‌است.

آچه مردم نیاز دارند بداندن این است که دولت برای هریک از این مسائل چه برنامه‌ای دارد؛ چه میزان از مشکل ناشی از عوامل خارجی و چه میزان ناشی از ضعف‌های داخلی است؛ چه اقداماتی در حال انجام است و چه زمانی می‌توان انتظار نتیجه داشت. تکرار مشکلات، بدون ارائه چنین تصویری، به تدریج می‌تواند این برداشت را ایجاد کند که مجموعه مدیریتی کشور بیش از آنکه برای حل بحران‌ها برنامه داشته باشد، در حال توضیح دادن چرایی وقوع آنهاست. همچنین لازم به ذکر است، جاشی مثل نوسانات نرخ ارز یا کمبود سوخت و بحران انرژی، مهمان امروز اقتصاد ایران نبوده و نیستند و انتظار این بوده که دولت، از قبل از روی کار آمدن برای حل آن‌ها برنامه‌ی مدنی طراحی می‌کرد. این مسئله حتی از منظر اعتماد عمومی نیز اهمیت‌دارد. شهروندی که هر روز از مسئولان می‌شنود منابع کم است، درآمد کاهش یافته، نرخ ارز ممکن است افزایش پیدا کند، انرژی با مشکل مواجه‌است و سال سختی در پیش است، در نهایت این سؤال برایش ایجاد می‌شود که پس نقش سیاست‌گذار در این میان چیست؟

دشمن از ضعف‌های ایران خبردار؛ اما نباید برای او روایت تولید کرد

در شرایط عادی، شاید بتوان استدلال کرد که بیان مشکلات داخلی اثر چندانی بر محاسبات خارجی ندارد. اما در شرایط جنگی و فشار اقتصادی، ماجرا متفاوت است. طرف مقابل نه تنها به دنبال اطلاع از ظرفیت‌های اقتصادی کشور است، بلکه رفتار و ادبیات مسئولان را نیز رصد می‌کند تا میزان تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی کشور را ارزیابی کند. از این منظر، حتی اگر یک مشکل کاملاً واقعی باشد، تکرار آن از تریبون‌های رسمی و بدون ارائه تصویری از ظرفیت‌های مقابله با آن، می‌تواند به یک سیگنال ناخواسته تبدیل شود.

اینجاست که تأکید بر «روایت قدرت» به معنای انکار ضعف‌ها نیست، اتفاقاً می‌توان هم‌زمان دو کار را انجام داد: مشکل را پذیرفت و برای رفع آن اقدام کرد؛ اما اجازه نداد روایت رسمی کشور صرفاً به روایت ضعف تبدیل شود.

مسئولان باید از «شرح وضعیت» به «ارائه نقشه راه» برسند

اقتصاد ایران با مشکلات جدی مواجه‌است و نمی‌توان با چند جمله بر شمردن مشکلات نیز هیچ مسئله‌ای را حل نمی‌کند. اما در مقابل، صرفاً اگر تورم بالا است، باید درباره سیاست مشخص کنترل تورم سخن گفت، اگر منابع انرژی محدود است، باید درباره اولویت‌بندی مصارف، افزایش درآمد‌های انرژی و بازگشت از صادراتی توضیح داد. اگر انرژی با ناترازی مواجه‌است، باید برنامه افزایش تولید، اصلاح مصرف و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی شرح شود. اگر تحریم‌ها صادرات را محدود کرده‌اند، باید از مسیرهای جایگزین تجارت و بازارهای جدید سخن گفت. و اگر بودجه با کسری مواجه‌است، باید برای اصلاح ساختار هزینه‌ها و درآمد‌های دولت برنامه ارائه شود.

در چنین شرایطی، آنچه می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد، نه انکار مشکلات و نه تکرار آنها، بلکه ارائه نقشه راه عبور از مشکلات است. روایت قدرت، به معنای پنهان کردن ضعف نیست. روایت قدرت به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها نیست؛ بلکه به معنای آن است که نقاط قوت، ظرفیت‌های داخلی، توان مدیریتی، فرصت‌های اقتصادی و برنامه‌های مقابله با بحران نیز به همان اندازه در معرض دید افکار عمومی قرار گیرد.

کشوری که با فشار خارجی مواجه‌است، نمی‌تواند صرفاً از دشواری‌های خود سخن بگوید و انتظار داشته باشد طرف مقابل این اظهارات را صرفاً یک گفت‌وگوی داخلی تلقی کند. مسئولان باید مشکلات را ببینند، درباره آنها تصمیم بگیرند و برای حل آنها پاسخگو باشند؛ اما ناتریبون رسمی دولت نباید به بلندگویی بازخوانی دائمی ضعف‌ها تبدیل شود. در شرایطی که دشمن به دنبال یافتن نقاط ضعف و سنجش میزان تاب‌آوری کشور است، هنر مدیریت فقط در بحر حل خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در مدیریت روایت بحران نیز معنا پیدا می‌کند. مردم حق دارند واقعیت را بدانند؛ اما در کنار واقعیت، حق دارند بدانند دولت برای تغییر این واقعیت چه برنامه‌ای دارد.

شاید مهم‌ترین پرسشی که امروز باید از مدیران اقتصادی کشور پرسید این نباشد که «چه مشکالی داریم؟» چرا که فهرست مشکلات تقریباً



۲۰ مورد سیاه‌نمایی و برجسته‌کردن نقاط ضعف توسط پزشک‌یان در مصاحبه اخیر با تلویزیون

۱. ما مشکلات زیادی داریم؛ تورم، مسائل اقتصادی، اشتغال و مشکلات بسیار دیگری وجود دارد
۲. اکنون مسیر بسته‌است و کالا وارد نمی‌شود. یکی از این کالاها بنزین است. درآمد ما هم کاهش یافته؛ یعنی علاوه بر بنزینی که تولید می‌کنیم، باید بنزین بخریم. در نتیجه، حتی اگر مسیر باز باشد، باید پول خرید آن را نیز داشته باشیم
۳. بنزین را به ۱۰ هزار تومان افزایش خواهیم داد
۴. مبلغ کالا برگ را نمی‌توانیم زیاد کنیم
۵. هم نیروگاه‌ها همان را زده‌اند، هم منابع نفتی و گاز ی مان را هدف قرار داده‌اند و تولیدمان نیز در جریان جنگ کاهش پیدا کرده‌است
۶. اکنون نمی‌توانیم نفت صادر کنیم
۷. وقتی پول و درآمد نداریم، وقتی زیرساخت‌ها رازده و خراب کرده‌اند، وقتی باید به کسانی که بیکار شده‌اند کمک مالی کنیم و وقتی پیش از آغاز این درگیری‌ها نیز ۱۵۰۰ همت کسری داشتیم، این‌ها چیست؟
۸. صادراتمان کم شده، اما واردات بیشتر کاهش پیدا کرده‌است
۹. اگر تحریم‌ها ادامه پیدا کند، گرانی نیز افزایش خواهد یافت
۱۰. از سوی دیگر، پول کافی هم نداریم. اگر قبلاً پولی که داشتیم می‌توانستیم ۱۰ تن کالا بخریم، اکنون با همان میزان پول می‌توانیم هشت تن بخریم
۱۱. برای صرفه‌جویی در فصل زمستان نیز ضد اوسیمیا باید به ما کمک کند که گاز خانه‌های مردم قطع نشود
۱۲. اسامال سال سختی خواهیم داشت
۱۳. کنترل نرخ ارز زمانی امکان پذیر است که با کمبود منابع مواجه نباشیم
۱۴. اکنون وقتی نمی‌توانیم کالاها یمان را بفروشیم، ارز وارد کشور نمی‌شود
۱۵. نرخ ارز ممکن است بسیار بالاتر از میزان فعلی برود
۱۶. بخشی از افزایش نرخ ارز به مسائل سیاسی بر می‌گردد. همین که اعلام کردند محاصره را تشدید می‌کنند، نرخ دلار در مدت یک روز ناگهان افزایش یافت
۱۷. اگر نتوانیم مسائل خود را در منطقه حل کنیم، بالاخره با مشکل مواجه خواهیم شد
۱۸. محدودیت‌ها برای افزایش مبلغ کالا برگ بر طرف نشده‌اند
۱۹. واقعیت این است که میزان درآمد ما مشخص است و درآمدمان کاهش یافته، نه اینکه افزایش پیدا کرده باشد؛ در حالی که مشکلات بیشتر شده‌اند و باید به آن پاسخ بدهیم
۲۰. بنگاه‌ها نیز درست کار نمی‌کنند. با کسری و مشکلات بانک‌ها مواجهیم؛ مشکل برق، آب و گاز داریم؛ با مشکلات مدیریتی و مسائل جدیدی که به وجود می‌آیند، درگیریم و در کنار همه این‌ها، تحریم‌ها و فشارهای دیگری نیز وجود دارد.

خودروهای پر مصرف و ضعف حمل و نقل عمومی، ریشه ناترازی بنزین

عضو کمیسیون انرژی مجلس با تأکید بر اینکه مدیریت مصرف، مسیر پایدار عبور از ناترازی بنزین است، گفت: نقطه بهینه مصرف زمانی محقق می‌شود که خود را حولان حمل و نقل، توسعه سوخت‌های جایگزین، تقویت حمل و نقل عمومی و مشارکت مردم در مصرف بهینه، هم‌زمان پیگیری شود. جلیل مختار، با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف بنزین در شرایط ناترازی انرژی، گفت: «امروز مسئله بنزین صرفاً موضوع تولید در پالایشگاه‌ها نیست؛ بخش اصلی چالش به مدیریت تقاضا، اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از هدررفت منابع بازمی‌گردد. تا زمانی که حفره‌های موجود در زنجیره مصرف شناسایی و برطرف نشود، افزایش تولید و حتی واردات نیز درمان دائمی این مسئله نخواهد بود. وی افزود: برآوردها نشان می‌دهد کشور در برخی مقاطع به واردات روزانه حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیون لیتر بنزین نیاز پیدا می‌کند که هزینه انرژی قابل توجهی به کشور تحمیل می‌کند. اگر هر خانواده ایرانی تنها یک لیتر در روز از مصرف بنزین خود بکاهد، بخش مهمی از این ناترازی قابل جبران خواهد بود؛ اقدامی که علاوه بر کاهش هزینه‌های واردات، امکان تخصیص منابع انرژی به بخش‌های اولویت‌دار از جمله دارو، کالا‌های اساسی و توسعه زیرساخت‌ها را فراهم می‌کند.

ناترازی بنزین، نتیجه ضعف در مدیریت تقاضاست

مختار تصریح کرد: ناترازی بنزین بیش از آنکه ناشی از کمبود ظرفیت تولید باشد، ریشه در الگوی مصرف پرهزینه، خودروهای فرسوده و پر مصرف، ضعف حمل و نقل عمومی، استفاده ناگافی از CNG و همچنین برخی مشکلات در کنترل زنجیره توزیع دارد؛ بنابراین لازم است دولت برنامه‌ای منسجم، کارشناسی و زمان‌بندی‌شده برای اصلاح هم‌زمان این عوامل ارائه کند. نماینده مردم آبادان به مجلس با اشاره به احکام برنامه هفتم در موضوع مدیریت مصرف سوخت، ادامه داد: توسعه و نوسازی حمل و نقل عمومی، تسریع در اسقاط خودروهای فرسوده، الزام خودروسازان به رعایت استانداردهای مصرف سوخت، افزایش سهم خودروهای برقی و هیبریدی و گسترش زیرساخت‌های سوخت جایگزین، از جمله اقداماتی است که می‌تواند مصرف بنزین را به سطحی متعادل و پایدار به نزدیک کند. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم با بیان اینکه مدیریت مصرف نباید به فشار بر مردم منجر شود، اظهار کرد: در شرایط اقتصادی کنونی، هرگونه تصمیم در حوزه حامل‌های انرژی باید با لحاظ توان خانوار‌ها و حفظ سطح رفاه عمومی اتخاذ شود. رویکردهای تشویقی و پاداش محور، در صورتی که شفاف، عادلانه و قابل اجرا باشند، می‌توانند انگیزه لازم را برای کاهش مصرف غیرضروری در بخش خانگی و حمل و نقل ایجاد کنند. وی افزود: پرداخت مشوق به خانوار‌ها و صنایعی که مصرف خود را نسبت به الگوی مشخص کاهش می‌دهند، راهکاری مؤثرتر از برخورد‌های صرفاً دستوری است. این مدل، هم مردم را در منافع ناشی از صرفه‌جویی شریک می‌کند و هم از تحمیل هزینه‌های بیشتر بر سبد معیشت خانوار جلوگیری خواهد کرد. مختار با تأکید بر لزوم استفاده بهتر از ظرفیت CNG، یادآور شد: کشور سرمایه‌گذاری قابل توجهی در ایجاد جایگاه‌ها و زیرساخت‌های CNG انجام داده‌است، اما هنوز از تمام ظرفیت موجود استفاده نمی‌شود. توسعه ناوگان دوگانه‌سوز، تسهیل تبدیل خودروهای عمومی و پرپیما یاش به CNG و اطمینان از دسترسی پایدار به این سوخت، می‌تواند بخشی از تقاضای بنزین را کاهش دهد. وی خاطر نشان کرد: توسعه حمل و نقل عمومی، به‌ویژه اتوبوس رانی شهری، مترو و ناوگان عمومی کم‌مصرف، باید در اولویت برنامه‌ریزی دولت و مدیریت شهری قرار گیرد. مدیریت سفرهای درون شهری و کاهش وابستگی مردم به خودروهای شخصی، آثار مستقیمی بر کاهش مصرف سوخت، ترافیک و آلودگی هوا دارد.

